

سردار حاجی زاده؛ اتحادیه اروپایی احترام خودش را نگه دارد!

مجلس شورای اسلامی

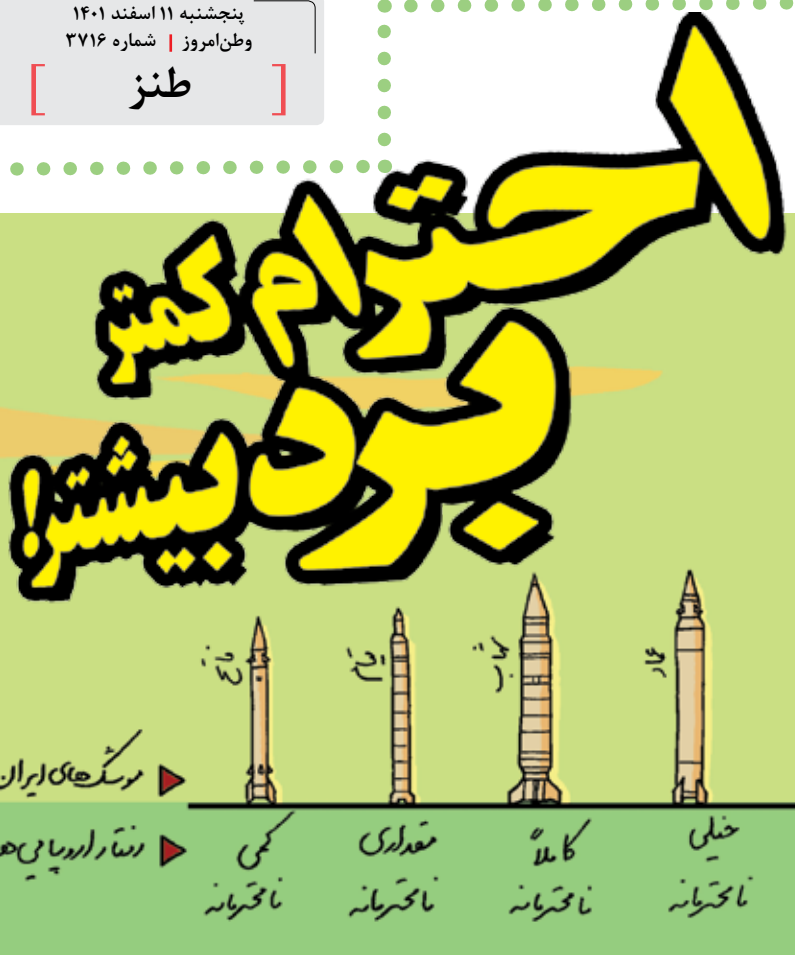
در پی هشدار سردار حاجی زاده به اروپایی‌ها مبنی بر اینکه «محدودیت برد ۲۰۰۰ کیلومتری موشک‌های ما به احترام اروپایی‌هاست. ان‌شاءالله احترام خودشان را حفظ کنند» بر آن شده‌ایم مصداق‌های احترام‌ها را تا حدودی باز کنیم تا اروپایی‌ها، خود را جمع و جور کنند که یک وقت چیز نشوند.

حرف بد نزنید: نباید «هیچ وقت حرف بد نزنید. در هر شرایطی حرف‌های خوب خوب» بزنید. تمامی کودکانی که در حین مراحل تربیت و بالندگی با ریختن فلفل در دهان‌شان مورد عنایت قرار گرفته‌اند و بال‌بال زده‌اند، دیگر حاشا و کلا که حرف بد نزنند، البته وفاداری به حاشا و کلا، به قرمز یا سیاه بودن و مقدار استفاده از آن بستگی دارد. اما مصداق ما در اینجا آنها نیست. هرچند اگر از آن حرف‌ها هم بزنید، ما هم با گفتن «آینه، آینه» قضیه را همین‌جا تمام می‌کنیم و دیگر مزاحم عزیزان هوافضا نمی‌شویم و می‌گذاریم تا در صورت نیاز بردها را زیاد کنند. بلکه منظور ما از حرف بد، گلاب به روی‌تان، مورچه خاک به سر، تهدید و از این حرفاست. اگر خدایی نکرده، کلاغ برای ما خیر بی‌آورد که در مجلسی نشسته‌اید و پس از تناول غذا و ادای آرزو بعد از آن و در حین خلال کردن دندان با چوب کبریت، درباره سرنگونی جمهوری اسلامی صحبت کرده‌اید، وای... وای... حرف بد؟! دیگر خود دانید و برد موشک‌ها.



جای دیگری بود. کودکی که شعر «ما بچه‌های نازاری یواش یواش می‌ریم بازی دست به گلا نمی‌زنیم شاخه گل نمی‌شکنیم هرکی به گل دست بزنه شاپره نیشش می‌زنه» را بخواند، هیچ وقت دستش را هر جایی نمی‌برد که شاپره نیشش بزند، البته معمولاً زنبور نیش می‌زند، نه شاپره. رسیدگی به ایرادات شعر را به وقت دیگری موکول می‌کنیم. در همین راستا برای حفظ احترام‌تان نباید دست به هر چیزی بزنید، به گل دست نزنید، آقای یواخیم‌لو سرمربی سابق تیم ملی آلمان را الگوی خود قرار ندهید که دستش تا آرنج یا داخل دماغش بود یا درون بینی‌اش. علاوه بر اینها دست به خرابکاری، دست به مکانیزم ماشه، دست به تحریم نزنید. کلا برد موشک‌ها را همیشه نصب‌العین خود قرار دهید، تا خود به خود دست به سینه بنشینید و جنب نخورید که موشک نیش‌تان نزند.

بدون اجازه جایی نروید: یک انسان کامل، عاقل، فاضل و نه عاطل و باطل هر جا که قصد کند برود، اول اجازه می‌گیرد. البته این هم از دوران مدرسه بایستی نهادینه شود؛ زمانی که بعد از بلعیدن بیسکویت عمده‌خفه‌کن و قبل از تبدیل شدن سیستم گوارش به کویر لوت، رفتن به آب‌خوری نیاز می‌شود دانش آموز ابتدا دست را به قاعده چند سانت بالا می‌آورد و می‌گوید: «آقا اجازه البته ظاهراً در بعضی مدارس خانم اجازه) میشه بریم آب بخوریم» و معلم هم خیلی مهربانانه پاسخ می‌دهد: «خیر گلم، بشین سر جات.» حتی در جاهای دیگر، مانند اتاق، با اصولی از قبیل «هین» یا دو سرفه ممتد «ووهوم. ووهوم» اجازه دخول گرفته



کشوری صحبت نکنید. حتی پشت کلامش یا گوش هم صحبت نکنید. اگر هم حرفی دارید، کاملاً رُک و راست و خیلی پوست‌کنده بیابید جلوه اول اجازه بگیرید و بعد سرتان را مودب پایین بیندازید و سپس صحبت بکنید، آن هم خوب تا یک وقت برد موشک‌ها پوست‌کنده‌تان نکند

پشت سر حرف نزنید: اگر کارهای قبل را کرده‌اید حکماً دیگر وجود ندارید و دچار ضربه مغزی شده‌اید و دیگر این مورد به کارتان نمی‌آید ولی اگر تاکنون مودب و مرتب یک گوشه نشسته‌اید و مشغول فکر کردن به کارهای بدتان هستید، حتماً این مسأله را هم لحاظ کنید. پشت سر حرف زدن بسیار کار بدی است. این وضعیت زشته، کثیفه، مستهجنه. هرگز پشت سر کسی، علی‌الخصوص

می‌شود. با توجه به اینکه برای این جور جاها هم اول اجازه می‌گیرند، پس برای ورود به کشور هم اول اجازه بگیرید و بعد جاسوس‌های خود را در لباس‌های مختلف برای مأموریت گسیل کنید. این را نیز بدانید و آگاه باشید که اگر بار دیگر جاسوس‌های شما در کشور ما بیفتند، با گذاشتن خط‌کش روی نقشه و برآورد فاصله تا محل استقرارتان، برد موشک‌ها افزایش پیدا می‌کند.

به‌به، چه قانونی

وحید سلطان‌علیان

دمت گرم ای نماینده چه کردی تو یک آمیتاباچانی و مردی چه قانون و چه تصمیم صوابی هلو مشکل گشا عالی گلابی همه را یکسره تشویق کردی امید وافر تزییق کردی تمام مردمان هستند خرسند ز این تخفیف‌تان، دنبال فرزند نگه دارد خدا امثال‌تان را که فکر مردمید و جیب آنها مواظب باش ای استاد قانون که عقلت هست همچون گنج قارون همین تصمیم تو کافی است بر این که ایران هم شود چون کشور چین نه شیر خشک و نه پوشک غم ماست که این قانون عالی مرهم ماست



سیدمحمدحجراتی

خواب شتری

مرغیبه قاسمی

دیده‌ای مزرعه پنبه به خوابت لمپن! خواب آشفته که تعبیر ندارد کودن نه که مشغول دم شیر شوی با بازی که شود چشم تو به هیبت ایشان روشن! بهتر این است که در فکر شنا باشی ها! دو سه تا مایو به همراه تو باشد ایضا یا برگردی بی یک لانه موش آنجا را یا به زیربای خود صاف روی لندن به همه دور و بری‌های خودت یک پوشک بده تا از تو نباشد گله‌هایی، بتمن خودمانیم ولی گوشه ذهنت باشد گذر پوست به دباغ می‌افتد حتماً



سیما شرفی

ادعای تو خالی

زهرا آراسته‌نیا

منبع آگاه از اخبار خاص گفته به ایران بده اینجا حواس! گفته رژیم خل پرادعا گرم تدارک شده یک حمله را حال بیابید ببینیم کیست؟ آنچه تدارک شده ابزار چیست؟ قلک‌شان هست در انبار یک سکه، دلار و یورو و دسته چک صد یک پوشک توی انبار دو گرچه امید است به حق و تو مایوی بسیار در انبار سه رخ ندهد کاشکی آن حادثه! لشکرشان چون که به جنگ عازم است حلقه بادی شنا لازم است آن چه کلیبی‌ست که واپراش شد؟ بر همه‌شان یکسره ارسال شد؟ کارتون میگ میگ که شد ماندگار چون که مفید است به وقت فرار

فرزند بیشتر، مالیات کمتر

محمد رضا رضایی

با یکی دیگه از برنامه‌های «بگو تا بگم» در خدمت شما هستیم. کافیه زنگ بزنید و سؤالتون رو بگید تا جوابش رو بگم. منتظریم... - سلام خدمت مشاور برنامه؛ این قانون پانزده درصد تخفیف مالیاتی برای بچه سوم به بالا، چرا فقط برای متولدین آبان ۱۴۰۰ به بعده؟ الان من به پنج‌قلو مدل ۹۹ دارم، ولی هیچ‌کدومشون معاف از مالیات نیستن؛ چه کنم؟ + داداش اتفاقاً بهتر که بچه‌هاست مضمول این قانون نمی‌شن. چون اگه می‌شدن هم فقط سه‌تا قلی که دیرتر به دنیا اومدن معاف از مالیات بودن. بعد می‌دونی اون دوتای اول چه ضربه روحی‌ای بهشون وارد می‌شد؟ اصلاً تو می‌تونستی با این تبعیض مالیاتی بچه‌ها رو درست تربیت کنی؟ برو خوش باش. - سلام؛ اتفاقاً من هم سؤال در همین راستاست. از وقتی بچه سومم به دنیا اومد، دوتا بچه اولم همه‌اش فکر می‌کنن من ته‌تغاری رو بیشتر از اون‌ها دوست دارم. حالا طبق این قانون فقط همین ته‌تغاری قندعسلم از مالیات معاف می‌شه و دیگه من هرچی هم بگم که بین بچه‌هام فرق نمی‌ذارم، اون دوتا باور نمی‌کنن. من چه کنم؟ + عزیزم تنها راه حل مشکلات اینه که بی‌خیال این معافیت مالیاتی بشی و خودت داوطلبانه بری مالیات قندعسلم رو پرداخت کنی. اینجوری هم نظام مالیاتی کشور رو تقویت کردی هم بنیان خونوادت رو از فروپاشی نجات دادی. دیگه خود دانای! - سلام و عرض ادب. من کلا دوتا بچه دارم، که کوچیک‌تره خیلی دهن‌داره قربونش برم. یعنی اندازه چهار تا بزرگسال می‌خوره، بازم سیر نمی‌شه. حتی یک‌بار داشت داداش بزرگ‌ترش رو می‌خورد که به‌موقع رسیدیم و از تو حلقش بیرون کشیدیم. حالا خواستیم ببینم راهی داره که همین بچه دومی ما رو، چهار نفر حساب کنن که از مالیات معاف شه؟ به خدا دیگه نمی‌تونم سیرش کنم. + والا اینی که تو می‌گی شدنی نیست؛ ولی من یک راه بهتر سراغ دارم. عزیزم تو می‌تونی از همین بچه میولا کسب درآمد کنی. فقط کافیه ببریش به رستوران‌ها که جلوی دوربین غذای رستوران‌ها رو بخوره و ملج و ملوج کنه. اینجوری هم اون رستوران بهت خداتومن پول می‌ده که برانش تبلیغ کردی؛ هم بچه‌ها یک دلی از عزا در میاره بدون اینکه روی تو فشار بیاد. خدایی اینجوری بهتر نیست؟ تازه می‌تونی واسه پیچت تبلیغات هم بگیر و بارت رو ببندی. اینم از این قسمت برنامه. باز منتظر ما باشید، ما هم منتظر تماس‌تون هستیم.

رواه حیل‌ت‌ساز و قالب تریاک

ریحانه یوسفی

آورداند در سنه ۱۸۵۶ میلادی که کافی و نسکافی مد نبود، نبرد سختی بر سر چای، میان چین و بریتانیا در گرفت. دولت بریتانیای حیل‌ت‌ساز، رفت بیخ گوش هندی‌های رمانتیک و کرد آواز که کشت خشخاش در بلاد هند بسیار ستوده و امتناع از آن نکویده، تا از تاجران چین جای اعلا بستاند و جای نقره و زر و سیم گران، تریاک هندی کند در پاچه آن رهگذران. روزها گذشت و گشت تریاک، قوت غالب چینیان و رخسارشان ترسناک. روزی پادشاه چین غافل و آسوده حال، از معبری شد روان و رعیت خویش دید چنان پیک‌نیک و وافور به دست و خمار و افتاده حال. وی که بر کرده خود شد آگاه، برآشفت و نعره‌ها سر داد لیکن گریبان ندرید چون در معر زن و بچه مردم نشسته بودند. پادشاه که نتوانسته بود گریبان خود را بدر بر برای پاره کردن مجوز صادرات چای به اروپا، شد دست به کار و بلاد اروپایی از دست چین شد شکار. بریتانیای کبیر که گستاخی بلاد آسیا نمی‌رفت در کتتش، به خشم آستین بالا کشید و درآورد از تن، کتتش. البته اسکل اندکی بعد فهمید که اول باید کتتش را درمی‌آورد بعد آستین بالا می‌کشید. خلاصه جنگ سختی میان چین و بریتانیا در گرفت دو بار. چینیان هر دو بار چونان شکستند که انگار هیچ چینی‌ای از ازل در این عالم نبوده و هرچه بوده همه طرف یکبار مصرف. بریتانیا بار اول بکه در میدان جنگ بر چین غالب گشت. بار دوم با یاری فرانسه، که از همان دوران بود از کاسه لیسان زمان. اینگونه شد که بریتانیا به اراضی استعماری خود افزود و پادشاه چین رفت شماره یک را به ۵۰۰۴۵۶۷۸۹۲۱ پیامک کند تا یک ترک اعتیاد تضمینی در سه روز راه، برای مردمش بخرد.

ضمیمه طنز راه راه کاری از پادشاه طنز انقلاب اسلامی

دبیر سرویس نثر: اعظم‌سادات موسوی
 دبیر سرویس شعر: عباس تافته
 دبیر سرویس کارتون: سید محمدجواد طاهری
 صفحه‌آرا: علی شهنازی
 راه‌های ارتباطی: @ @ @ @ @
 ما را در شبکه‌های اجتماعی
 با نشانی tanzym-ir دنبال کنید!



مناظره ابراهیم‌بزاز

صابره حبیبی

پوشادوسینی

ابراهیم صفایی

ابوالقاسم سیدی

برد موشک‌های ما بالاتر از فهم شماست خارج از برد خیال و قوه وهم شماست بچه خوب و مودب چوب کمتر می‌خورد بی‌ادب باشید اما کلهم سهم شماست!

مفرور و جهان‌گشا و مستی هی فتنه به‌با کردی و جستی دیگر ملخک نمی‌شماریم با زر زر اولی به دستی

حساب صبح و شامت را نگه دار خودت محکم لگامت را نگه دار ندیدی برد موشک‌های ما را؟ اروپا! احترامت را نگه دار

هر چه از دوست می‌رسد نیکوست مثلاً موشکی که پر نیروست با اروپا بگو کند تکرار: ادب مرد به ز دولت اوست

یک لحظه، بده گوش به این ایرانی چون موشک ما رفته هواگردانی اخلاق شما اگر که غربی‌تر شد برخورد کند موقع سرگردانی!

زین پس همه بادت توی حرف و نگاه ای اهل اروپا همه باشید آگاه حرف بد اگر بشنوم، این موشک را... لاجول ولا قوه الا بالله